

تأثیر وجوه شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

زهرا عبادی^۱

چکیده

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای اصلاح عقیدتی، اخلاقی، و مبارزه با مفسدات اجتماعی راهی دشوار در پیش داشت، در حالی که اغلب جامعه در قالب تکفیر یا نفاق روبروی ایشان قرار گرفته بودند. در این شرایط همسران ایشان، هم به عنوان یک زن و هم به عنوان یک همسر، نقش مؤثری در تحولات جامعه به عهده داشتند. از جمله تاثیر گذارترین آنها ام المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیه) را می توان نام برد. حضرت خدیجه (علیها سلام) بانویی آگاه و پاکدامن بود که بصیرت و اندیشه‌ای ژرف داشت، و با حمایت‌های روحی، عاطفی و اطاعت همه‌جانبه از رسول خدا، بدون هیچ چشم‌داشتی در مسیر حق کوشید، و با بذل اموال خود باعث حفظ یاران اسلام در مقابل دشمنان و زمینه‌ساز شکوفایی اسلام بود. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی صورت گرفته است.

کلمات کلیدی: ام المؤمنین، خدیجه، وجوه شخصیتی، بینش، پیامبر، همراهی.

طرح مسأله

جهان اسلام از عایشه، همسر پیامبر، به عنوان ام المؤمنین یاد کرده و با احادیثی منسوب به او به تحلیل دوران صدر اسلام پرداخته و از نگاه او سعی در شناختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) کرده است، در حالی که متأسفانه در شناخت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اولین همسر پیامبر، به مختصر آشنایی، بسنده کرده است. این در حالی است که خدیجه، قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی در سال‌های جاهلیت، زندگی خود را با پیامبر آغاز کرده است. سالهایی که کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد، دختران زنده به گور شده، فساد،

^۱ - دانش آموخته مقطع سطح ۳، تفسیر و علوم قرآنی، ebadi.z@chmail.ir

فحشا، خرافه و شرک رایج و مرسوم بوده و سراسر جامعه را فرا گرفته بود. رفتار و اعمال خدیجه کبری در این دوران نشانگر شخصیت والای ایشان است چرا که او هرگز دامن خود را به این مسائل آلوده نساخت و به عنوان طاهره قریش الگوی زنان، و به عنوان تاجری موفق الگوی مردان هم‌عصر خویش بود. و در طی ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همه جانبه از ایشان پشتیبانی می‌کرد.

خدیجه، به دلیل موقعیت اجتماعی و خانوادگی، و خصوصیات شخصیتی منحصر به فرد خود، نقش بسزایی در جامعه اسلامی ایفا کرده است. لذا شناختن جایگاه و مقام این بانو به عنوان ام المؤمنین، بر جهان اسلام ضروری بوده و غفلت از شناخت این بانوان تأثیرگذار در اسلام، مناسب نیست.

وجوه شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، آنچنان والاست که به خودی خود موضوعیت دارد. این مقام والا به واسطه همسری پیامبر عظیم‌الشان و حتی به واسطه مادر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بودن، بدست نیامده است. هرچند همسر نبی بودن بالاترین فضیلت، و ام‌الائمه بودن، برترین شرافت است؛ اما باید دید خود این بانو چگونه شخصیتی داشته که خداوند او را شایسته همسری پیامبر و مادری دخترش کرده است. در این پژوهش سعی شده ابتدا به برخی از وجوه شخصیتی خدیجه کبری پرداخته شود، تا از رهگذر آن به تأثیر شخصیت والای خدیجه (علیها السلام) در همراهی او با رسول خدا در امر خطیر رسالت، دست یافت.

۱- وجوه شخصیتی خدیجه (سلام الله علیها)

قطعاً شناخت تمام وجوه شخصیتی همچون خدیجه کاری بس دشوار است. بانویی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با شنیدن نام وی، اشک بر گونه‌های مبارکش جاری می‌گشت و از او به بزرگی یاد می‌نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۱) لذا در حد وسع، به نکاتی از برخی وجوه شخصیتی این بانوی بزرگ اشاره خواهد شد.

۱-۱- منزلت خانوادگی

خانواده در شکل گرفتن شخصیت فرزند نقش بسزایی دارد. در مورد خدیجه (علیها السلام) نیز این امر صدق می‌کرد. پدر و مادر خدیجه هر دو از قریش بودند. کتب تاریخی درباره نسب او نوشته‌اند: «وَهِيَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزْزِيِّ بْنِ قُصَيِّ بْنِ كِلَابِ بْنِ مَرْةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرٍ. وَأُمُّهَا: فَاطِمَةُ بِنْتُ زَائِدَةَ بْنِ الْأَصَمِّ بْنِ رَوَاحَةَ بْنِ حَجْرٍ بْنِ عَبْدِ بْنِ مَعِيصِ بْنِ عَامِرِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرٍ» بنابراین نسب او با نسب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ناحیه پدری در «قصی» و از طرف مادر در «لوی» به هم می‌پیوندد. (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۱۴)

خویند پدر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از بزرگان و شخصیت‌های برجسته‌ی قریش و پیرو آیین ابراهیم (علیه السلام) بود، او وضعیت مالی بسیار خوبی داشت و در بین مردم صاحب نام، و دارای احترام بسیاری بود. او در دوره‌ی جاهلیت، بزرگ طایفه‌ی خود بود، و در جنگ فجار دوم، که قریش آماده جنگ با کنانه بود، ریاست طایفه اسد را به عهده داشت.^۱ (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۹۳)

پدر بزرگ خدیجه، یکی از اعضای برجسته «حلف الفضول» بود؛^۲ پیمانی که پیامبر اسلام نیز قبل از بعثت به آن پیوست و همیشه به عضویت در آن افتخار می‌کرد، چون هدف آن پیمان، حمایت از مظلومان و دفاع از حق بود. (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳)

«فاطمه» مادر خدیجه (سلام الله علیها) در یکی از اصیل‌ترین خانه‌ها و خاندان‌های عرب از نظر حسب و نسب، دیده به جهان گشود، و با بهره‌وری از ثروت و امکانات زندگی، در کنار پدر و مادری نیک اندیش و آبرومند، پرورش یافت. از ویژگی‌های مادر ارجمند خدیجه (سلام الله علیها) این بود که، در آن شرایط که زنان و دختران در خاندان‌های ثروتمند و صاحب قدرت غرق در زرق و برق دنیا، هوا و هوس و در اسارت پرستش‌های ذلت‌بار و خرافی بودند، از سویی از ارزش‌های منفی و ناپسند اعلام بیزاری می‌کرد و از سوی دیگر دنیای وجود خود را به ارزش‌ها آراسته می‌ساخت و به دین و آیین پدران توحیدگرا و عدالت‌خواه خویش، حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) ایمان داشت. (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳ش، ص ۹) حضرت خدیجه نیز راه والدین خود را در پیش گرفت و اصالت خاندان خود را حفظ کرده و همراه آنان بود.

۱-۲- آگاهی و اطلاعات

بانوی بزرگ تاریخ عرب و اسلام، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در آن روزگار تیره و تاریک جاهلیت از جمله بانوان صاحب بینش و منش بود، این آگاهی را - علاوه بر خاندان خود - مرهون هوش و درایت خود، و آشنایی با علماء و دانشمندان یهودی و نصرانی بود.

۱-۲-۱- برخورداری از هوش و درایت

از ویژگی‌های خدیجه (سلام الله علیها) اینکه از هوش، عقل و تدبیر سرشاری برخوردار بود، آنچنان که درباره ایشان گفته شده: «کانت خدیجه امرأة حازمة لبیبة؛ خدیجه بانویی خردمند و خردورز بود». (اربلی، ۱۴۰۱ق،

^۱- این جنگ را از آن رو فجار گویند که در ماه‌های حرام رخ می‌داد.

^۲- حلف الفضول هذا قبل البعث، و كان أكرم حلف و أشرفه؛ تداعت قبائل من قریش إلى حلف، فاجتمعوا له فی دار عبد الله بن جدعان ابن عمرو بن كعب بن سعد بن تیم بن مرة بن كعب بن لؤی، لشرفه و سنه، فكان حلفهم عنده: بنو هاشم، و بنو المطلب، و أسد بن عبد العزی، و زهرة ابن كلاب، و تیم بن مرة. فتعاقدوا و تعاقدوا علی أن لا یجدوا بمكة مظلوما و ... النهی عما كانت تفعله الجاهلیة من المحالفة علی الفتن، و القتال بین القبائل و الغارات.

ج ۲، ص ۱۳۲) در فضایی که جهل و بی‌سوادی همه جا را گرفته بود، به ویژه زنان که از بیشتر مزایای زندگی محروم و طرد شده بودند، خدیجه (سلام الله علیها) دارای کمال، ادب، ایمان و عقل در سطح بالا بود.^۱ نمونه‌ی بارز هوش و درایت خدیجه را می‌توان در تن ندادن به فرهنگ جاهلیت، اشعار وی و روایت کردن حدیث از پیامبر دید.

۱-۲-۱-۱- نپذیرفتن فرهنگ جاهلیت: در حقیقت فرهنگ جاهلی فرهنگ تقلید بود؛ در این فرهنگ جایی برای عقل نبود، بلکه ملاک، قبول و نکول پدران و اقتدا به رسوم گذشتگان بود. فرهنگ جاهلی همه‌ی ارکان جامعه را جاهل کرده بود، از جمله اقتصاد جامعه را و اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می‌زند، اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در آن فضای جاهلی فرهنگ عقلانیت را یافت و روی این اقتصاد جاهلی خط بطلان کشید، ثروت کلان ایشان نیازی به تجارت نداشت، ایشان می‌توانست با ربا که تجارت رسمی آن دوران بود، خود را اداره کند و خطر تجارت در راه‌های پر خطر شام و حجاز را نپذیرد؛ اما ایشان فرهنگ جاهلی و ربا را تحریم کرد، و مال التجاره خود را تحت اشراف پیامبر به سودآوری رساند.^۲ (جوادی آملی، ۱۳۹۵)

۱-۲-۱-۲- سرودن شعر: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چهره ادبی و ذوق سراینده‌ی داشت. اشعار و قصیده‌های مشحون از ظرافت‌های ادبی و معنوی او در شأن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که حدود پانزده سال قبل از بعثت سروده و خوانده، شاهد گویای این مطلب است:

فلو أننی أمسیت فی کل نعمه.....ودامت لی الدنیا و ملک الاکاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه.....إذا لم یکن عینی لعینک ناظره

«اگر من روز را در میان همه‌ی نعمت‌ها به شب رسانم، و دنیا و سلطنت شاهان بزرگ ایران، همیشه برای من باشد، اگر دیدگانم به تماشای چشمان تو نپردازند، همه‌ی این‌ها برای من به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارند».^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۵۲؛ نمازی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۴۰)

۱-۲-۱-۳- روایت کردن حدیث: روایت کردن حدیث نیاز به هوش و حافظه‌ای قوی دارد. نام مبارک حضرت خدیجه به جهت داشتن این ویژگی در زمره بانوان راوی حدیث ذکر شده است. (کلابادی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۳۵)

۱ - «... وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلًا، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مَرُوءَةً وَ مَالًا؛ خدیجه در زیبایی زیباترین زن و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان بود. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیاء و عترت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار میرفت» (محلای، ج ۲، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲ - حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانوی نمونه‌ی اسلام، کد خبر ۴۰۴۷۲۹، ۱۳۹۵/۰۳/۲۷، ۰۸:۰۶، سایت: <http://news.esra.ir>

۳ - این تعبیر همانند آن است که ما می‌گوییم یک تار موی تو را به همه‌ی عالم نمی‌دهم.

۱-۲-۲- آگاهی از آموزه‌های ادیان الهی

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) گفت و شنودهایی با مسیحیان و اهل کتاب داشت، مانند پسر عمویش «ورقه بن نوفل» که از دانشمندان مسیحی بود، و اطلاعات وسیعی به کتاب‌های آسمانی و بشارت‌های آن کتاب‌ها به ظهور پیامبر آخرالزمان داشت، و همچنین از خواب‌هایی که خدیجه (سلام الله علیها) شخصاً دیده بود، اطمینان به ظهور وی داشت، و در این راستا دریافته بود که پیامبری در مکه ظهور می‌کند و خورشید وجودش عالمتاب خواهد شد، از این رو جزء منتظران چنان ظهوری بود، تا در پرتو آن، نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه سامان یابد، و مردم از آلوده‌گی‌های جاهلیت نجات یابند. از این رو از پسر عمویش ورقه، در مورد نشانه‌های آن پیامبر به طور مکرر سؤال می‌کرد. (الحلبی شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴)

در حقیقت او با کمال آگاهی و خردمندی با حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) ازدواج نمود و سالهای سال از وجود با برکت آن حضرت کسب فیض کرد تا اینکه به درجات عالی علم و دانش ارتقا پیدا کرد. از این رو ملقب به «فاضله» شد.^۱ (حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۱-۳- پاکدامنی

خدیجه (سلام الله علیها) طبق سنت قبیله‌اش، خود را با اخلاق حمیده آراست و با درایت و پاکدامنی رشد کرد. فضائل اخلاقی وی در آن محیط آلوده، زبازد خاص و عام بود. به واسطه‌ی اینکه کارهای زنان دوره‌ی جاهلی را انجام نمی‌داد و از همه‌ی آلودگی‌ها پاک بود، یعنی این بانوی گرامی حتی پیش از بعثت و نزول قرآن نیز پاک‌روش و پاک‌منش می‌زیست. از این رو به «طاهره» معروف بود. «كَأَنَّ تَدْعَى قَبْلَ الْبَعْثَةِ، الطَّاهِرَةَ» (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۹۹)

دو عامل و خصیصه مهم که منجر به انتخاب روشی پاک برای زندگی می‌شود عبارت است از «حیاء و عفاف» که بانو، خدیجه کبری واجد هر دو بود.

۱-۳-۱- حیاء

ویژگی «حیاء» از سویی انسان را به کسب ارزش‌ها و انجام نیکی‌ها و رعایت مقررات اجتماعی برمی‌انگیزد و از سوی دیگر مانع مهم روانی برای قانون شکنی و قانون گریزی و قانون ستیزی است. پیامبر درباره‌ی بازدارندگی روانی «حیاء» از ستم و گناه و خودکامگی و زشتکاری می‌فرمودند: «أَلْحِيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ؛ شَرْمٌ وَ حِيَاءٌ، انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد» (التیمی الأمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۴)

^۱ - علی هذه المرأة الجليلة النبيلة الاصلية العظيمة الكاملة العاقلة الباذلة العاملة الفاضلة العابدة... .

اگر این ویژگی انسانی نبود، نه حرمت میهمان در جامعه رعایت می‌شد، و نه احترام عهد و پیمان‌ها، نه کسی به امانت‌ها بها می‌داد، و نه به وفا و وفاداری و آزادگی و بشردوستی، و نه کسی به رعایت مقررات افتخار می‌نمود و نه از ستم و بیداد دوری می‌جست و نه از گناه و زشتی اعلام بیزاری می‌کرد.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زندگی خود همواره از آفریدگارش حیاء و پروا می‌کرد، و خدا پرستی و مردم خواهی، آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از نقاط منفی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود.

۱-۳-۲- عفاف

حضرت خدیجه دارای ویژگی ارزشمند «عفاف» بود، از این‌رو آن حضرت ملقب به «عفیفة» شد، و برخوردار از زیبایی و جمال باطنی گردید. «... و کانت تدعی فی الجاهلیه باطاهره لشدۀ عفافها» (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زرقانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳ و ۱۹۹)

«عفت» به معنی خودداری از حرام و به اضافه آن، خودداری از درخواست از مردم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۲) از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «عاقل عفت پیشه می‌کند و ثمره عفت قناعت می‌باشد». (التمیمی الآمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۸) در حقیقت، زن با عفت خود می‌خواهد بگوید به همان حریمی که در جمیع خانواده و فامیل شکل داده، قانع است و نمی‌خواهد از آن حریم بگذرد.

حیاء و عفاف خدیجه کبری بود که او را در سراسر حجاز به «طاهره» شهره کرد و الگوی زنان پاکدامن قرار داد.

۱-۴- نواندیشی و نوگرایی (بصیرت و اندیشه‌ی ژرف)

خدیجه (علیها السلام) نه مانند زن عادی و معمولی آن روز جامعه عرب، به گوشه‌گیری و انزواگزینی ظالمانه و تحمیلی تن سپرده بود و نه همچون زنان اشراف، شب‌نشینی‌ها و اسارت‌ها و خفت‌ها و بردگی جنسی زن اشرافی مگه و حجاز را به رسمیت می‌شناخت. او به آیین بت‌پرستی رایج بها نمی‌داد و سخت منتقد و مخالف آن بود. با پویایی فکر و اندیشه خود به تجارت می‌پرداخت و از این راه، بر مال حلال خویش می‌افزود، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می‌کرد، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می‌کرد، نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت و بهتر و مطلوب‌تر از همه به ندای آزادمندی و آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی خویش با روزگارش پاسخ می‌داد. (خصائص، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۸-۴۵۶)

۱-۵- عاطفی بودن

حضرت خدیجه (علیها السلام) در ابعاد گوناگون انسانی، شخصیتی والا و ارزشمند داشت، از جمله اینکه دارای شخصیت ممتاز عاطفی بود، و مهر و محبت ویژه‌ای به خانواده، کارگزاران خود و مستضعفان داشت.

۱-۵-۱- محبت به کارگزاران

خدیجه بنت خویلد صاحب شرف و منزلت، زنی تاجره، و مالدارترین قریش بود.^۱ (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۵) او مال خود را برای تجارت به مردم مضاربه می‌داد و قسمتی از سود آن را به کارگزاران خود هدیه می‌داد. (اربلی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص: ۷۳) محمد امین که یکی از کارگزاران او بود در این باره می‌فرماید: «ما رأیت من صاحبه لأجیر خیراً من خدیجه ما کنا نرجع انا وصاحبی الا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبأه لنا؛ من کارفرمایی بهتر از خدیجه ندیدم، هر وقت که من و دوستم پس از کار نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم که غذایی گوارا برای ما آماده کرده و به ما هدیه می‌کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۹-۱۰؛ الرازی الدولابی، بی تا، ج ۱، ص ۴۹)

از نمونه‌های دیگر سخاوت خدیجه کبری می‌توان پانزده سال قبل از بعثت را یاد کرد؛ هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خدیجه (سلام الله علیها) ازدواج کرد، حلیمه سعدیه مادر رضاعی محمد امین، روزی به مکه نزد محمد (صلی الله علیه و آله) آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد، حضرت این موضوع را با خدیجه (سلام الله علیها) در میان گذاشت، و خدیجه کبری چهل گوسفند و شتر به حلیمه‌ی سعدیه بخشید، او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت، سپس بعد از طلوع اسلام، حلیمه و شوهرش به مکه آمده و مسلمان شدند.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

همچنین خانه حضرت خدیجه (علیها السلام)، پیوسته پناهگاه امن یتیمان و درماندگان محسوب می‌شد و او همواره به مستمندان رسیدگی می‌کرد و فقرا از او بهره‌مند می‌شدند. (خصائص، ۱۳۹۳ش، ص ۵۴۱)

۱-۵-۲- همسری مهربان

حضرت خدیجه (علیها السلام) به همسر خویش مهر و محبتی وافر داشت؛ چنانکه وقتی پیامبر (ص) را می‌دید، عرضه می‌داشت: «یا سیدی یا حبیبی، ای سرور و نور چشم من، به خدا سوگند که تو محبوب منی، همه مال و قوم و خویشان من فدای تو باد، تو از همه آنان پیش من عزیزتری»^۳ (البکری، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۹۴)

۱- کانت خدیجة یومئذ اوسط نساء قریش نسبا وأعظمهن شرفا وأكثرهن مالا.

۲- أن حلیمة قدمت علی رسول الله بمکه و قد تزوج بخدیجة فشکت إليه جذب البلاد و هلاک الماشیة فکلم رسول الله خدیجة، فأعطتها أربعین شاة و بعیرا، وانصرفت إلى أهلها، ثم قدمت علیه بعد الاسلام فأسلمت هی و زوجها.

۳- قالت خدیجة إنما تهنینی بسلامتک یا سیدی و یا قره عینی و الله أنت حبیبی و أعز عندی من المال و الأهل و الأقارب و أحب إلى من ذلک.

او بهترین انیس و قوی ترین مددکار روز سختی برای پیغمبر بود. همواره در شدائد و دشواریهای اسلام موجب تسلی خاطر پیغمبر گردید و از بذل مال خود دریغ نمی داشت و با آن قدرت مالی و شهرت مقامی که داشت، با زجر و تهدید و تبعید شوهر ساخت، لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار او را دوست می داشت. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۴۲)

۱-۵-۳- مادری دلسوز

حضرت خدیجه یک مادر دلسوز و مربی آگاه برای فرزندان خود بود. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه می باشد:

در ایام بیماری خدیجه (علیها السلام)، که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد، و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی، و آن حضرت بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه فرمود: اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید، و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، کوچک است، می ترسم که کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود، و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه (علیها السلام) مادری کنم، و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.^۱ (امین، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۰۶)

خدیجه نه تنها برای فرزندان خود بلکه برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز مادری می کرد؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی (علیه السلام) را که شش سال داشت تحت سرپرستی خود قرار داد. خدیجه و پیامبر (علیهما السلام)، علی (علیه السلام) را پرورش داده و تحت نظارت دقیق تربیتی خود بزرگ نمودند تا آن هنگام که خورشید اسلام طلوع کرد.

^۱ - کنت حضرت وفاة خدیجة فبکت خدیجة عند وفاتها فقلت لها أتبکین وأنت سيدة نساء العالمین وأنت زوجة النبی ص ومبشرة علی لسانه بالجنة. فقالت: ما لهذا بکیت ولكن المرأة لیلة زفافها لا بد لها من امرأة تفضی إليها بسرها وتستعین بها علی حوائجها وفاطمة حدیثة عهد بصبا وأخاف أن لا یکون لها من یتسولی امرها حیثئذ قالت اسماء بنت عمیس فقلت لها یا سیدتی لک عهد الله علی ان بقیت إلى ذلك الوقت ان أقوم مقامک فی ذلك الأمر.

۱-۶- جمال ظاهری و باطن

امام حسن مجتبی (علیه السلام) که به شهادت تاریخ در زیبایی ظاهر و باطن سرآمد همگان بوده‌اند، در رابطه با تفسیر آیه ۸ سوره انفطار «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» فرمود: «آن‌گاه که خدای توانا، طرح آفرینش را افکند و انسان‌ها را آفرید، علی (علیه السلام) را از پدرش ابوطالب، در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به رسول الله (صلی الله علیه و آله) آفرید و حسین (علیه السلام) را شبیه‌ترین فرد به فاطمه (سلام الله علیها) و من در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به جده‌ی گرانمایه‌ام، خدیجه کبری (علیها السلام) هستم».^۱ (قمی، ۴۲۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مال و جمال و کمال را یکجا داشت، و این صفات سه گانه هرگاه در یکجا جمع شوند، به زن، آثاری از عظمت و بلندی مقام می‌دهند، و خدیجه (علیها السلام) نیز این چنین بود. «... وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلًا، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عَقَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مَرُوءَةً وَ مَالًا؛ خدیجه در زیبایی زیباترین زن و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان بود. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیاء و عترت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار میرفت» (محلّاتی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲- خدیجه (سلام الله علیها) همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

خدیجه (علیها سلام) نخستین زنی بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و نماز خواند. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۲) پیامبر درباره او می‌فرمود: «خیر نساء الجنّة خدیجة بنت خویلد» بهترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد است. (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۶) و بدین ترتیب یکی از چهار زن بهشتی نام گرفت.^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۹۶)

بلندای مقام خدیجه (سلام الله علیها) آنچنان است که خداوند به وسیله جبرئیل به وی سلام فرستاد و او را پاداش عظیم وعده داد. از این رو درگذشت خدیجه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مصیبتی بزرگ بود زیرا خدیجه وزنه زندگی رسول خدا بود و به احترام خدیجه (علیها سلام) بسیاری به پیامبر احترام می‌کردند، یا متعرض او نمی‌شدند. به اعتراف تمام فرق اسلامی یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش خدیجه بود و در اثر خدمت و فداکاری او پیغمبر توفیق حاصل کرد و به همین جهت به حق لقب «ام المؤمنین» به خود گرفت. (ابن

^۱ - قال: صور الله علياً (عليه السلام) في ظهر أبي طالب علي صورة محمد (صلى الله عليه و آله). فكان علي بن أبي طالب أشبه الناس برسول الله، و كان الحسين بن علي أشبه الناس بفاطمه (عليها السلام) و كنت أشبه الناس بخديجة الكبرى.

^۲ - رسول خدا بر زمین چهار خط کشید و فرمود: میدانید این چیست؟ گفتند خدا و رسولش داناترند، فرمود: بهترین زنان بهشت چهارند، خدیجه دختر خویلد؛ فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون.

طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۳ و ۴۴۲) و جده‌ی بهترین بندگان خدا (حسنین علیهما السلام) شد. (دیلمی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص: ۴۱۷)

خدیجه (علیها سلام) آنچنان پیامبر را اطاعت و همراهی می‌کرد که مانند مریم، مائده آسمانی برایش نازل می‌شد. چنانچه نقل شده است، روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ظرفی از بهشت آورد که طعام و شراب بهشتی بود. و گفت: ای رسول خدا این مائده برای خدیجه است. از طرف پروردگارش و من، به او سلام برسان و به او مژده بده به یک قصری در بهشت که در آنجا سر و صدا و مشقت نیست. ^۱ (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۷)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در سال دهم بعثت رحلت کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سال را عام الحزن نامید و فرمود: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی». ^۲ (اخطب خوارزم و سماوی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۲) خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان اولین همسر رسول خدا چه قبل از بعثت و چه بعد از آن، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف پیامبر داشت و در این راه رنج و سختی فراوانی را تحمل نمود، و همواره همراه و پشتیبان او بود.

۲-۱- قبل از بعثت

خدیجه قبل از بعثت با امین عرب، محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج کرد. ^۳ بدین ترتیب سرنوشت او با سرنوشت امتی گره خورد و خداوند به دست او فرستاده خویش را در سخت‌ترین شرایط ممکن یاری و مساعدت کرد.

^۱ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ، فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنِّي، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَأَصْحَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ.

^۲ - فبكى رسول الله صلى الله عليه وآله و دعا لها، ثم قال لها: «أقدمي خير مقدم يا خديجة! أنت خير أمهات المؤمنين و أفضلهن، و سيدة نساء العالمين.»

^۳ - علامه مجلسی سه نقل در رابطه با ازدواج خدیجه کبری آورده:

الف - تزوج رسول الله خدیجه و هو ابن خمس و عشرين سنة.

ب - یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنة.

ج - كانت خدیجة قبل أن يتزوج بها رسول الله عند عتيق ابن عائذ بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم، ثم خلف عليها بعد عتيق أبوها لة هند بن زرارة التیمی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۰) قول اول و دوم صحیح تر به نظر می‌رسد هر چند کمتر مطرح می‌شود. برای اطلاعات بیشتر به سایت زیر مراجعه شود.

<https://fa.shafaqna.com/news/18476>

۲-۱-۱- در اختیار گذاشتن اموال

اولین اقدام خدیجه (سلام الله علیها) بعد از خواندن خطبه عقد در اختیار گذاشتن اموال، حتی خانه خود، به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و به ایشان عرض کرد: «الی بیتک فبیتی و أنا جاریتک؛ به سوی خانه خود بیایید که خانه من خانه شما و خودم خدمتکار شمایم.» (قمی، ۱۳۴۴ق، ج ۲، ص ۵۶۷) پس از ازدواج نیز، برای جلوگیری از تحقیرات مردم که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را یتیم و تهیدست می خواندند، عموی خود ورقه بن نوفل را فرستاد، تا با صدای بلند بگوید: ای عرب بدانید، خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروتش از غلامان و کنیزان، املاک دامها، مهریه و هدایایش را به محمد بخشیده و این کار به خاطر علاقه و محبت او به محمد است.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۷۱) این تصمیم بزرگ زبان طعن و استهزاء را برید و جامعه را به نفع محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت، آماده کرد، و بدین صورت خداوند پیامبر خود را با اموال خدیجه (سلام الله علیها) غنی ساخت.^۲ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۷)

این بذل مال از روی هوا و هوس نبود، بلکه او در چهره و رفتار امین عرب آینده ای درخشان و ممتاز می دید به همین جهت به محمد عرض کرد: «یا ابن عم اینی قد رغبت فیک لقرابتک و سبطک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک ثم عرضت علیه نفسها؛ ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندیت با من، شرف و امانتداریت در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگوییت به تو تمایل پیدا کردم.» (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۵) و با بذل مال در راه محمد (صلی الله علیه و آله) این را اثبات کرد.

۲-۱-۲- فراهم کردن وسایل برای فراق روحی از مسائل جانبی

خدیجه (سلام الله علیها) که از طریق کتب دینی و علماء انتظار نبوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را داشت، تمام شرایط را برای ایشان فراهم می کرد تا محمد فارغ از مسائل جانبی به برنامه های خود برسد. از جمله برنامه های حضرت، عبادت در غار حرا بود. این غار در کوهی نزدیک مکه قرار داشت که مسیری صعب العبور داشت و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) غذا و نوشیدنی برای همسرش فراهم و سختی رساندن طعام با وجود ارتفاع کوه را تحمل می کرد، و اوقاتی را در حرا همنشین ایشان می شد. به همین جهت جبرئیل نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله هذه خدیجه قد أتتک معها إناء فیهِ إدامٌ أو طعامٌ أو شرابٌ، فإذا هی أتتک، فأقرأ علیها السلام من ربها عز وجل، ومنی، وبشرها ببیت فی الجنة من قصب، لا صخب فیهِ ولأ نصب؛ این خدیجه است که برای تو طعام و نوشیدنی می آورد، پس زمانی که آمد سلام ما را به او برسان و او

۱- یا معاشر العرب إن خدیجة تشهدکم علی أنها قد وهبت نفسها و مالها و عبیدها و خدمها و جمیع ما ملکتم یمینها و الموائی و الصدق و الهدایا لمحمد ص و

جمیع ما بذل لها مقبول منه و هو هدیة منها إلیه إجلالا له و إعظاما و رغبة فیهِ.

۲- «و وجدک عائلاً» ای فقیرا لا مال لک «فأغنی» ای فأغناک بمال خدیجة.

را به خانه ای در بهشت بشارت بده.» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۷ و احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۰، ص ۳۵۹)

قبل از بعثت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خلوت و انزوا گرایش بیشتری یافت. اندیشه‌های عمیق درونی، ناسازگاری محیط و فاصله روحی‌اش با مردم، روز به روز بیش‌تر می‌شد؛ گویا مکه و اجتماع آن، روحش را می‌آزرد. (نصیری رضی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۸۳) در طول سال، بارها به کوه‌های اطراف مکه و غار حرا می‌شتافت و این امر در ماه رمضان به اوج می‌رسید.^۱ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۰۸) با توجه به آگاهی خدیجه (سلام الله علیها) از میزان علاقه پیامبر به عبادت، امور منزل را طوری مرتب می‌کرد که ایشان به راحتی به عبادت بپردازد و با درک روحیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) نه تنها برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد، بلکه همیشه هم‌دل و همراه او بود.

۲-۲- بعد از بعثت

وقتی جبرئیل از جانب خداوند مقام نبوت را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد، وی از غار حرا به خانه آمد و ماجرا را با خدیجه (سلام الله علیها) در میان گذاشت. خدیجه که منتظر چنین لحظه‌ای بود،^۲ (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۱۳۶۸ش) گفت: «امیدوار بودم که روزی رهبر خلق و پیغمبر این مردم شوی.»^۳ (ابن هشام الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸) در آغاز راه دعوت به اسلام مخفیانه بود و هنوز امر به ابلاغ عمومی نشده بود. به همین جهت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها افراد خاص و مورد اعتماد را از نبوت خود با خبر می‌کرد، از جمله آنها حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود.

۲-۲-۱- در زمان بعثت و دعوت مخفیانه

خدیجه (سلام الله علیها) در همان روزهای اول بعثت، نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تأیید و تصدیق نمود و از سبقت گیرندگان در ایمان بود.

۲-۲-۱-۱- **تأیید و تصدیق نبوت:** در سالهای جهل و گمراهی مردم، میزان خطرات پذیرش اسلام به حدی بود که مدت‌ها رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه اسلام خود را پنهان می‌داشتند، تا دستور اعلان آن رسید. (کلینی،

۱- أنه كان يجاور في حراء من كل سنة شهرا.

۲- ولد نوفل بن أسد: ورقة بن نوفل بن أسد، الشاعر صاحب العلم في الجاهلية، وكان قد قرأ الكتب و تبخر في التوراة والإنجيل، و هو الذي لقبته خديجة في

أمر النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ وَصَفَتْهُ لَهُ فَبَشَّرَهَا بِنَبْوَتِهِ.

۳- فَوَ الَّذِي نَفْسُ خَدِيجَةَ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۹) طبق اتفاق مسلمین خدیجه (سلام الله علیها) اول زنی است که به خدا و فرستاده اش ایمان آورده و او را تصدیق کرده است. (کلینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص: ۲۷۴)

حضرت خدیجه (علیها سلام) به عنوان یکی از زنان شاخص آن عصر، آنچنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تأیید و تصدیق می کرد که رسول خدا ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامید.^۱ (ابن مغازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۲۹۹ و ابن کثیر، بی تا، ج ۲، ص ۶۲) حضور خدیجه کبری در کنار نبی خدا به زنان آن عصر نوید روزگاری بهتر و به رسمیت شناختن حقوق زنان را می داد و نقش مؤثری در گرایش بانوان به اسلام داشت، به طوری که اولین شهید راه اسلام، بانویی به نام سمیه بود.

۲-۱-۲-۲- سبقت در ایمان: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در روزگاری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد که بسیاری از صحابه ایشان را تکذیب کرده و نسبت ساحر، جادوگر و مجنون به ایشان می دادند. در این شرایط ایمان خدیجه (سلام الله علیها) آن قدر ارزشمند بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رو بر می گردانیدند، او به من رو می کرد و چون همه از من می گریختند، خدیجه به من محبت و مهربانی می کرد چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، خدیجه به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.» (ابن طاووس، ۱۳۷۴ ش، ص: ۴۴۳)

یحیی بن عقیف از پدرش روایت کرده پیش از آنکه پیغمبر اکرم امر نبوت را اظهار کند من با عباس بن عبدالمطلب نشستیم. اول ظهر جوانی آمد رو به کعبه ایستاده و به نماز مشغول شد. بلافاصله جوان دیگری آمد بطرف راست او ایستاده و زنی هم آمد پشت سر آنها به نماز مشغول شد، جوان به رکوع رفت، آنها هم اقتدا کرده با وی برکوع رفتند، به سجده رفت، آنها هم سر به سجده گذاردند. من به عباس گفتم: امر عظیمی مشاهده میکنم. گفت: آری چنانست که میگوئی. میدانی این جوان کیست؟ این جوان محمد پسر برادرم، و پدرش عبد الله بن عبدالمطلب است و این جوان دیگر نیز علی بن ابی طالب است و این زن خدیجه دختر خویلد است. محمد می گوید: پروردگار او که خدای آسمانها و زمین است او را به این دینی که هم اکنون بدان توجه دارد، مأمور داشته و سوگند بخدا بجز این سه نفر متدین به این دین نمی باشند. (مفید، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۱)

همچنین مجلسی نقل می کند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، خدیجه را نزد خود خواست و فرمود: این جبرئیل است و می گویند: «برای اسلام شروطی است؛ اول؛ اقرار به یگانگی خدا، دوم؛ اقرار به رسالت پیامبر، سوم؛ اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شرع، چهارم؛ پیروی از روش وصی من و برائت از دشمن او.» خدیجه (سلام الله علیها) نیز به آنها اقرار کرده و از سبقت گیرندگان به اسلام بود. (مجلسی، ۱۳۹۷ ق، ص:

۱ - «هذه صدیقه امتی».

۵۲۹) و با سبقت در پذیرش نبوت همسرش مصداق آیات «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۱ (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص: ۴۱۲) و «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ»^۲ (حسکانی، ۱۳۸۰ش، ص: ۲۳۶) شد.

۲-۲-۲- دعوت خویشاوندان و عموم مردم

بعد از نزول آیه انذار^۳ و امر به دعوت خویشاوندان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) چهل تن از خویشاوندان خود را به خانه خدیجه (سلام الله علیها)، که در اختیار ایشان بود، دعوت کرد و خدیجه نیز در فراهم کردن امکانات برای استقبال از مهمانان و تهیه غذا یاری‌رسان پیامبر بود، و در این بیت نورانی، علی به عنوان وصی و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی گردید. بعد از آن امر به دعوت عمومی شد.

۲-۲-۲-۱- تبلیغ دین: در این دوران حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به سبقت گرفتن در اسلام اکتفا نکرده و در جهت تبلیغ و ترویج دین در میان مردم تلاش‌های فراوانی داشت. ایشان با تبلیغات زبانی و عملی در نشر، رشد و شکوفایی دین، همسو با همسر خود شده و از بذل مال و جان و آسایش خود دریغ نداشت. ایشان همواره به معرفی و بازگو کردن کمالات روحی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌پرداخت و با عبارات کوتاه مقام بلند رسالت را به دیگران گوشزد می‌کرد؛ مانند روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای زن نابینایی که نزد خدیجه (سلام الله علیها) حضور داشت، دعا کرد؛ که برای تو دو چشم سالم باشد، و زن بینا شد. خدیجه (علیها سلام) عرض کرد: این دعا مبارک است، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۷) همچنین از اقدامات عملی خدیجه کبری، نماز خواندن ایشان در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مولا علی (علیه السلام) در مسجدالحرام بود (مفید، ۱۳۷۷ش، ص: ۵۱۲ و کراجکی، بی تا، ج ۱، ص: ۳۰۶) که موجب جلب توجه بازرگانان، حاجیان، مردم و به خصوص زنان بود، که این حرکات به چه معناست؟ این سه نفر چه می‌کنند؟ آیا به دین جدیدی گرایش پیدا کرده‌اند؟ این چه دینی است که زنان نیز در آن سهیم‌اند و با احترام در کنار مردان به عبادت می‌پردازند، تا بدین گونه با دین جدید اسلام آشنا شوند.

۲-۲-۲-۲- حمایت‌های روحی و عاطفی: در راه پرفراز و نشیب رسالت، خدیجه (سلام الله علیها) همواره تسلی‌بخش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. از جمله:

^۱ - واقعه (۵۶)، آیه ۱۰ و ۱۱. يَقُولُ اللَّهُ: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» رَسُولُ اللَّهِ ص وَ خَدِيجَةُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّاتُهُمْ تَلْحَقُ بِهِمْ. (تفسیر

القمی، ج ۲، ص: ۴۱۲)

^۲ - و زندگانی مانند علی علیه السلام، حمزه، جعفر، حسن، حسین، فاطمه، خدیجه علیهم السلام، با زندگانی کفار مکه (الأموات) برابر نیست.

^۳ - شعراء (۲۶)، آیه ۲۱۴؛ «وَأَنْذَرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ».

^۴ - وَكَانَ عِنْدَ خَدِيجَةَ امْرَأَةً عَمِيَاءَ فَقَالَ ص لَتَكُونَنَّ عَيْنَاكِ صَحِيحَتَيْنِ فَصَحْنَا فَقَالَتْ خَدِيجَةُ هَذَا دُعَاءُ مُبَارَكٍ فَقَالَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً.

۲-۲-۲-۱- کاستن نگرانی از برخورد مردم: وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبعوث شد، نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آنها بود. خدیجه (سلام الله علیها) همواره او را دلداری داده و با نگاهی احترام‌آمیز می‌گفت: «شاد باش و پایدار، به خدایی که جان خدیجه (سلام الله علیها) در دست او است، من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی»^۱ (ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۲) خدای متعال تو را خوار نخواهد کرد تو با خویشان نیکی می‌کنی، راست می‌گویی، رنج می‌بری، از مهمان‌پذیری می‌کنی، و از زحمت در راه حق باک نداری.» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸) و این گونه با برطرف کردن غم و اندوه و تبدیل آن به نشاط، مقوم قلب مبارک رسول الله بود. تا جایی که رسول خدا فرمود: «سپاس خدا را که اطعام کرد و لباس پوشاند و خدیجه را همسرم قرار داد و من عاشق او بودم»^۲ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۱)

۲-۲-۲-۲- تسلی برای آزار دشمنان: بعد از علنی شدن دعوت، بت پرستان و مشرکان، رسول خدا را تکذیب کرده و به دشمنی با ایشان برخاستند، به طوری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ما أودى نبيُّ بمثل ما أوديت؛ هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹، ص ۵۶) ولی تا خدیجه (سلام الله علیها) زنده بود، ایشان را دلداری داده و نگرانی را از ذهن و خاطر ایشان می‌زدود، همیشه همراه و همدل پیامبر اکرم بود و امر قریش را بر وی آسان می‌نمود. (اریلی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۷۷) خدیجه (سلام الله علیها) نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان کسی که می‌توانست پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با آن روح بزرگ درک کند، موجب آرامش ایشان بود و این آرامش، روزی الهی بود.

۲-۲-۲-۳- تسلی برای وفات فرزندان: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فراق فوت دو فرزند خود یعنی قاسم و عبدالله غمگین بودند، به طوری که در وفات قاسم به کوهی که کنار جنازه او بود، رو کرده و فرمود: «ای کوه! آنچه بر من در مورد مرگ قاسم وارد شده، اگر بر تو می‌آمد، متلاشی می‌شدی.»^۳ (یعقوبی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۳۲) حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برای کم کردن این غم، اقدام به خرید «زید بن حارثه» کرد.^۴ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۷۰) و در سخت‌ترین شرایط روحی با دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و زدودن گرد و غبار اندوه از دل ایشان، گامی دیگر در راه حمایت از رسول خدا برداشت.

۲-۲-۳- شعب ابی طالب

بعد از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسماً مردم را به دین اسلام فراخواند، مشرکان که خود را در خطر می‌دیدند، هر چه تلاش کردند، نتوانستند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از راهش منصرف کنند. در اقدامی دیگر تصمیم گرفتند، مسلمانان را در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار داده، و آنان را در منطقه‌ای به نام شعب

۱- فَقَالَتْ: أَيْشِرُ يَا بِنَ عَمِّ وَائِبْتِ، فَوَالَّذِي نَفْسُ خَدِيجَةَ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۲- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي الْخَمِيرَ، وَالْبَسَنِي الْحَرِيرَ، وَزَوَّجَنِي خَدِيجَةَ، وَكُنْتُ لَهَا عَاشِقًا».

۳- توفي القاسم ابن رسول الله، فقال و هو في جنازته، و نظر إلى جبل من جبال مكة: يا جبل لو أن ما بي بك لهدك.

۴- وَكَانَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ لَخَدِيجَةَ فَوَهَبَتْهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَعْتَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ابی طالب محصور کردند. در این دوران سخت و جانکاه حضرت خدیجه (علیها سلام) مانند همیشه نقش موثری در پیشبرد اسلام داشت.^۱ (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۸۳)

۲-۲-۳-۱- صبر و تحمل سختی: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می دانست اگر از حمایت همسرش دست بردارد، او نیز از خشم و غضب کفار مکه در امان نیست. ایشان که تاکنون در ناز و نعمت زندگی کرده و در قبیله خود جایگاه والایی داشت به جرم حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحریم شد، و با بقیه مسلمانان زندگی در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شعب ابی طالب را بر آسایش و آرامش خود ترجیح داد، و از جانب خداوند به مقام رضا و خشنودی رسید. (مجلسی، ۱۳۷۷ش، ص: ۴۰)

در این ایام حضرت با وجود کهولت سن، سختی‌هایی از قبیل گرسنگی، گرمای هوا و آزار و اذیت مشرکین را تا سر حد مرگ تحمل می کرد تا جایی که روزه‌روز ضعیف‌تر شده و در بستر بیماری افتاد، ولی باز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) عذر تقصیر می خواست. از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی، و در خانه من بسیار خسته شدی.»^۲ (حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۴)

۲-۲-۳-۲- بذل مال: همان طور که اموال با برکت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) قبل از بعثت یاری رسان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، بعد از بعثت نیز در جهت اهداف پیامبر اکرم خرج می شد، ولی بیشترین نمود را در شعب ابی طالب داشت.

در دوران تحریم، مسلمانان برای فراهم کردن غذا و مایحتاج خود به سرمایه نیاز داشتند و بهترین منبع تأمین سرمایه، اموال پر برکت خدیجه بود، به طوریکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هیچ مالی مانند مال خدیجه به من سود نرساند.»^۳ (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۸) در این مدت اموال خدیجه (سلام الله علیها) صرف تأمین شترهایی با بار گندم و خرما می شد که با شگردهای مختلف به آنان می رسید. با اینکه این اموال مایه عزت و پایداری مسلمانان گردید و در مقابل آن انفاق، چیزی طلب نکرد، و از پیامبر نخواست که در قوانین اسلامی و امور مربوط به قوانین و احکام، جانب ثروتمندان یا زنان را بیشتر در نظر بگیرد. (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص: ۳۷۹)

ثروت این بانوی بهشتی حتی بعد از رحلت او نیز یاری رسان اسلام بود و آخرین بخش از دارایی خدیجه (سلام الله علیها) توسط علی ابن ابی طالب صرف سفر هجرت به مدینه شد. (پژوهشگران قم، بی تا، ص ۸) خدیجه کبری (سلام الله علیها) در سال دهم بعثت رحلت کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سال را

۱- نهوه أن بیع من بنی هاشم شیئا، و یحذرونه إن باع شیئا أن ینهبوا ماله، و کانت خدیجة لها مال کثیر، فأنفقته علی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فی الشعب.

۲- فأتی قاصرة فی حفق فأعفتی یا رسول الله (ص) قال رسول الله: حاشا وکلا ما رأیت منک تقصیرا فقد بلغت جهدک و تعبت فی داری غایة التعب ولقت بذلک أموالک و صرفت فی سبیل الله جمیع مالک.

۳- ما نفعنی قطّ ما نفعنی مال خدیجة (علیها السلام).

عام الحزن نامید و فرمود: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی.» (اخطب خوارزم و سماوی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۸)

نتیجه گیری

با بررسی برخی از وجوه شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می توان دریافت که ایشان از سطح بالایی از درک و درایت برخوردار بود. همین امر باعث شد تا خود را از برخی زنان و حتی مردان هم عصر خود جدا کرده و به دنبال درک حقیقت باشد. ظهور آخرین نبی که طبق آموزه های مسیحیت و یهودیان از منتظران آن بود؛ به همین جهت پاک می زیست؛ تا شاید لایق دیدار موعود باشد، و وقتی نمود حق را در محمد امین یافت همه جانبه به خدمت او شتافت.

خدیجه (سلام الله علیها) در سخت ترین شرایط حامی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، در اثر خدمت و فداکاری او پیغمبر توفیق حاصل کرد؛ چرا که وی وزنه زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. به احترام خدیجه (علیها سلام) بسیاری به پیامبر احترام می کردند، یا متعرض او نمی شدند. حضور وی در کنار نبی خدا به زنان آن عصر نوید روزگاری بهتر و به رسمیت شناختن حقوق زنان را می داد و نقش مؤثری در گرایش بانوان به اسلام داشت. همچنین خدیجه (سلام الله علیها) با بذل اموال خود، باعث حفظ یاران اسلام در مقابل دشمنان و زمینه ساز شکوفایی اسلام بود، خدیجه (سلام الله علیها) هیچگاه نخواست که در قوانین اسلامی و امور مربوط به قوانین و احکام، جانب ثروتمندان یا زنان را بیشتر در نظر بگیرد و با قرار دادن خانه خود به عنوان دارالانذار، از وصی و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حمایت کرد. بنابراین می توان گفت: خدیجه کبری (سلام الله علیها) هم در اصلاح عقیدتی، هم در اصلاح اخلاقی و هم در ایجاد قسط و عدل در جامعه، همراه و پشتیبان رسول خدا بود.

این حمایت عمیق و همه جانبه نمی توانست تنها به جهت عشقی، زمینی باشد، بلکه ریشه در اعماق شخصیتی والای خدیجه کبری داشت. او در خانواده ای شریف و تحت شرایطی مطلوب بزرگ شده بود؛ خانواده ای که حق پذیر و حق جو بود، و دغدغه حمایت از ستمدیدگان را داشت. خدیجه (علیها سلام) مانند خاندان خود از آیین توحیدی ابراهیم (علیه السلام) تبعیت می کرد و از آموزه های ادیان الهی مطلع بود و در تجارت مهارت داشت، به همین جهت در نهایت آگاهی و درایت دست به معامله ای پرسود زد. از همه چیز خود گذشت تا با همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، لایق سلام خدا باشد.

شاید بتوان گفت آنچه خدیجه را خدیجه کرد تنها برخورداری از اموال و اوصاف نیکو و تن ندادن به فرهنگ جاهلی نبود، بلکه بهره جستن از آنها در مسیر حق بود؛ آنچنان که خداوند اموال خدیجه (علیها سلام) را به خود نسبت داده و به پیامبرش فرمود: «ما تو را فقیر یافتیم و بی نیاز کردیم». او از اموال و موقعیت اجتماعی خود گذشت تا همه جانبه از همسرش به عنوان پیام آور وحی حمایت کند و با اطاعت همه جانبه از نبی خدا، گوهر

وجودی خود را آنچنان درخشان کرد که از برترین زنان بهشتی نام گرفت و الگوی فرا زمانی و مکانی برای تمام حق جویان عالم شد؛ چرا که به اعتراف تمام فرق اسلامی یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش خدیجه (علیها سلام) بود.

فهرست منابع:

منابع فارسی

*قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مترجم: کمره ای، محمد باقر، چاپ: اول، تهران: کتابچی، ۱۳۷۷ش. و ترجمه فهري زنجانی، احمد، چاپ اول، تهران: علمیه اسلامیة، بی تا.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، مترجم: الهامی، داوود، چاپ دوم، قم: نوید اسلام، ۱۳۷۴ش.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، مترجم: زواره‌ای، علی بن حسین، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۲ش.
۴. پژوهشگران حوزه علمیه قم، مجله حوزه، زندگینامه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) (س)، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۵. تهرانی، حسین، خصائص ام المومنین خدیجه الکبری سلام الله علیها، چاپ سوم قم: طوبای محبت، ۱۳۹۳ش.
۶. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مترجم: روحانی، احمد، چاپ اول، قم: دار الهدی، ۱۳۸۰ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانوی نمونه اسلام، ۱۳۹۵/۰۳/۲۷، کد خبر ۴۰۴۷۲۹، ۰۸:۰۶.
۸. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، مترجم: آرام، احمد، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، مترجم: رضائی، سید عبد الحسین، چاپ سوم، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۱۰. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)، بی جا، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۱۱. کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، چاپ دوم، قم: نسیم انتظار، ۱۳۸۳ش.

١٢. كراچكى، محمد بن على، ترجمه كتاب كنز الفوائد و التعجب، مترجم: كمره اى، محمد باقر، چاپ اول، تهران: چاپخانه فردوسى، بى تا.
١٣. كلينى، محمد بن يعقوب، الروضة من الكافى يا گلستان آل محمد، مترجم: كمره اى، محمد باقر، چاپ اول، تهران: كتابفروشى اسلاميه، ١٣٨٢ق.
١٤. _____، أصول الكافى، مترجم: كمره اى، محمد باقر، چاپ سوم، قم: اسوه، ١٣٧٥ش.
١٥. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، شيعه در پيشگاه قرآن و اهل بيت عليهم السلام (ترجمه جلد ٦٥ بحار الأنوار)، مترجم: تهرانى، على، چاپ اول، تهران: كتابخانه مسجد حضرت ولى عصر، ١٣٩٧ق.
١٦. _____، زندگانى حضرت زهرا عليها السلام (ترجمه جلد ٤٣ بحار الأنوار)، مترجم: نجفى، محمد جواد، چاپ اول، تهران: اسلاميه، ١٣٧٧ش.
١٧. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعة فى أحوال النساء الشيعه، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ١٣٨٥ش.
١٨. مفيد، محمد بن محمد، ترجمه الفصول المختارة للمفيد، مترجم: آقا جمال خوانسارى، محمد بن حسين چاپ اول، قم: انتشارات مؤمنين، ١٣٧٧ش.
١٩. _____، الإرشاد للمفيد، مترجم: ساعدى خراسانى، محمد باقر، چاپ اول، تهران: اسلاميه، ١٣٨٠ش.
٢٠. نصيرى رضى، محمد، تاريخ تحليلى اسلام، چاپ شصتم، قم: نش معارف، ١٣٨٩ش.

منابع عربى

٢١. ابن ابى الحديد معتزلى، عبدالحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، بى چا، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى (ره)، ١٤٠٤ق.
٢٢. ابن المغازلى الواسطى، مناقب أهل البيت (ع)، چاپ اول، قم: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلاميه - المعاونه الثقافيه، مركز التحقيقات و الدراسات العلميه، ١٤٢٧ هجرى.
٢٣. ابن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى، أبو عبد الله أحمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، وآخرون، الطبعة الأولى، الناشر: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ هجرى.
٢٤. ابن كثير الدمشقى، اسماعيل، البدايه والنهائيه، بى چا، ادار إحياء التراث العربى، بى تا.
٢٥. النيسابورى المعروف بابن البيع، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبى الطهمانى (المتوفى: ٤٠٥هـ)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١١ق.
٢٦. أبو نصر البخارى الكلاباذى، أحمد بن محمد بن الحسين بن الحسن، الهدايه والإرشاد فى معرفة أهل الثقة والسداد (رجال صحيح بخارى)، المحقق: عبد الله الليثى، الطبعة الأولى، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٧ق.

٢٧. البكري، أحمد بن عبد الله، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار، چاپ اول، قم: نشر شريف الرضى، ١٣٧٣ش - ١٤١٥ق.
٢٨. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، سماوى، محمد، مقتل الحسين عليه السلام، چاپ دوم، قم: انوار الهدى، ١٣٨١ش - ١٤٢٣ق.
٢٩. الاربلی، أبى الحسن على بن عيسى بن أبى الفتح، كشف الغمّة فى معرفة الأئمة عليهم السّلام، بی چا، بيروت: الأئمة دار الاضواء، بی تا؛ الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتاب الإسلامى، ١٤٠١ق.
٣٠. الأمين الحسينى العاملى الشقراى، السيد محسن بن عبد الكريم، أعيان الشيعة، إعداد: الأمين، السيد حسن، الطبعة الخامسة، بيروت: دار التعارف، ١٤٠٣ق.
٣١. البحرانى، السيد هاشم، حلية الأبرار فى أحوال محمد و آله الأطهار (ع)، بی چا، مؤسسه المعارف الإسلامیة، بی تا.
٣٢. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، محقق: رجائى، سيد مهدي چاپ دوم، قم: دار الكتاب الإسلامى، ١٤١٠ق.
٣٣. الحائرى، محمد مهدي، شجرة طوبى، الطبعة الخامسة، النجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥هجرى.
٣٤. الحلبي الشافعى، أبو الفرج، السيرة الحليية، بی چا، بيروت: دار الكتب العلمیة، بی تا.
٣٥. الرازى الدولابى، أبى بشر محمد بن أحمد، الذرية الطاهرة، المحقق: الحسينى الجلالى، السيد محمد جواد، بی چا، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، بی تا.
٣٦. زرقانى مصرى مالکى، ابو عبد الله محمد بن عبد الباقي بن يوسف، شرح المواهب اللدنيّة بالمنح المحمديّة صلى الله عليه و آله و سلّم، تحقيق: خالدى، محمد عبد العزيز، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمیة، ١٤١٧ق.
٣٧. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٣٨. الطبرى، ابن جرير، تاريخ الامم الملوك، بی چا، بيروت: الناشر دارالتراث، بی تا.
٣٩. عبد الملك، ابن هشام، السيرة النبوية معروف به سيره ابن هشام، تصحيح: مصطفى السقا، ابراهيم الأبيارى و عبد الحفيظ شلبى، بيروت: دارالوفاق، ١٣٧٥ق.
٤٠. العسقلانى، أبو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد ابن حجر، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: عبد الموجود، عادل، أحمد معوض، على محمد، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمیة، ١٤١٥ق.
٤١. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، تحقيق: مخزومى، مهدي، سامرائى، ابراهيم، قم: مؤسسه دارالهجره، ١٤٠٩ق.
٤٢. قمى، عباس، سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على بحار الأنوار، بی چا، قم: اسوه، ١٣٤٤ق.

٤٣. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، چاپ سوم، قم: دار الكتاب، ١٣٦٣ش.
٤٤. قمى مشهدى، محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، بى چا، قم: دار الغدير، ١٤٢٣ق.
٤٥. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى بحار الأنوار (ط - بيروت)، چاپ دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٤٦. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيرى النيسابورى (المتوفى: ٢٦١هـ)، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بى چا، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٤٧. مصطفوى، حسن التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٨ش.
٤٨. نمازى شاهرودى، على، مستدرک سفینه البحار، بى چا، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٩ق.
٤٩. الواقدى المعروف بابن سعد، محمد بن سعد كاتب، الطبقات الكبرى، المحقق: إحسان عباس، الطبعة الأولى، بيروت: دار صادر، ١٩٦٨م.
٥٠. يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، بى چا، بيروت: دارصادر، ١٣٧٩ق.